



اسم آن را مجتمع مخفف عبارت «موشک جواب تجاوزات موشکی عراق» گذاشتیم

مقدم بود. به لطف خدا موشک با موفقیت تست شد و برد ۷۰ کیلومتر ثابت کردیم. آن زمان در کشور هیچ موشکی غیر از اسکاد روسی که وارداتی بود، این برد را نداشت. البته در واقع آن چیزی که ما ساختیم، راکت بود. چراکه موشک دارای سیستم هدایت و کنترل است.

### موشک با برد ۱۵۵ کیلومتر

بنا به ضرورت‌های این طرح، تجربیات و توانمندی‌های ویژه‌ای در مرکز ایجاد شد که یکی از این توانمندی‌ها، ارتباط مؤثر با دانشگاه و به‌کارگیری نخبگان دانشگاهی بود. این کار از همان اولین گام‌ها و زمانی که نیازمند پنتت‌های کشورهای پیشرفته صنعتی بودیم، آغاز شد و تا پایان ادامه داشت. به‌طور مثال بنده به‌عنوان رئیس مرکز، به مدت یک سال با ماشین پیکان شخصی‌ام، دو روز در هفته آقای دکتر دورعلی (استاد مکانیک دانشگاه صنعتی شریف) را از منزلشان به مرکز می‌بردم و حدود ساعت ۱۰ شب مجدداً خودم ایشان را تا منزلشان می‌رساندم. ابدأ شأن مدیریت، سلسله مراتب اداری و تشریفات دست و پاگیر موضوعیت نداشت. در مقابل، ایشان هم کاملاً درگیر جزئیات کار می‌شد. این‌گونه نبود که صرفاً به‌عنوان یک متخصص، امر و نهی کند که فلان قطعه را برای من تأمین کنید تا من فلان کار را بکنم. بلکه اساساً قطعات را مبتنی بر داشته‌های ما و موجودی انبار طراحی می‌کرد و در تأمین کمبودها تلاش می‌کرد، تا جایی که اگر قطعه‌ای را لازم داشتیم و تراشکار نمی‌توانست آن را تولید کند. با توجه به سبقه فنی‌ای که داشت. خود

## مجتمع ۵

موشک جواب تجاوزات موشکی عراق



کار تراشکاری‌اش را انجام می‌داد. این‌ها صرفاً نمونه‌هایی از تلاش همگانی برای توسعه فناوری بود. حقیقتاً در شرایطی که در محدودیت‌های متعدد محاصره بودیم، با چنگ و دندان این فناوری‌ها را به دست آوردیم. دستاوردهایی که مرهون عزم یکپارچه و تلاش مجاهدانه تک تک همکاران، از تراشکار ساده تا متخصصان طراحی بود.

به هر حال پس از مدتی تجهیزات خارجی رسید و بهینه‌سازی‌های مرتبط با وزن بدنه و نوع سوخت نیز انجام شد. بالاخره پس از ۱۶ ماه تلاش، جمعیت دانش، دستیابی به فناوری و تست‌هایی که انجام دادیم، توانستیم راکت مجتمع ۵ را با برد ۱۵۵ کیلومتر و دقت مناسب تولید کنیم. با این حال روزی که ما در حال بازگشت از میدان تیر سمنان و تست یکی از نمونه‌های پروازی مجتمع ۵ بودیم، خبر پذیرش قطعنامه ۵۹۸ را شنیدیم. دیگر چندان مهم نبود که موشکی به سمت عراق شلیک شده یا نه. آنچه برای ما ارزشمند بود این بود که ما در این مسیر، جمعی از انسان‌های جسور و توانمند را تربیت کرده بودیم. این دستاورد، خصوصاً بعد از جنگ، سرمایه ذیقیمتی محسوب می‌شد. همین اتفاق هم افتاد و برخی مدیران توسعه‌دهنده فناوری‌های راهبردی کشور، میوه‌های درخت مرکز تحقیقات پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد سازندگی بودند.

### پایان جنگ و ورود به فناوری‌های جدید

پس از خاتمه دفاع مقدس، با عمل نکردن وزارت دفاع به تعهداتش و رکود فعالیت‌های مرکز، خیل عظیمی از منابع انسانی متخصص مرکز دچار یأس و احساس عدم اثرگذاری مناسب بر تحولات فناورانه حوزه صنایع دفاعی شدند. دوراهاکار برای مقابله با این مشکلات، در پیش‌رو داشتیم. اول اینکه درهای مرکز را برای خروج متخصصانمان به بازار کار باز بگذاریم و با حداقل توان و ظرفیت و همراستا با روح بوروکراسی حاکم بر سایر ادارات، ادامه حیات دهیم و با توکل بر خداوند متعال و اتکا به منابع انسانی کارآمد، فناوری‌های پیشرفته، تجهیزات و توانمندی‌های خوبی را که طی دوران طلایی دفاع مقدس در مرکز جمع شده بود وارد سایر حوزه‌های فناورانه کرده و مشکلات اساسی و نیازهای صنعتی کشور را برطرف کنیم. با اتخاذ راهبرد دوم، زمینه مناسبی برای نوآوری نهادی و بهره‌برداری از ظرفیت‌های عظیم منابع انسانی مرکز در سایر حوزه‌های صنعتی و فناوری کشور فراهم شد.

از این‌رو با تجربیات انباشته در مرکز، بستری ایجاد کرد تا بتوانیم در صنایع دیگر از آن بهره ببریم.

به‌عنوان مثال بنا به الزامات جنگ، در ریخته‌گری آلایاژهای خاص و پیشرفته، توانمندی خوبی داشتیم و تجهیزات خریداری کرده بودیم که امکان ریخته‌گری تحت خلأ [۷] را به ما می‌داد. شهید ستاری، فرمانده وقت نیروی هوایی ارتش در بازدید از مرکز گفت: «شما با این تجهیزات می‌توانید موتور جت بسازید.» موتور جت در واقع، یک توربین با اندازه کوچک است. این ایده را